

خواب غفلت

saidfazlahmadpayman@yahoo.com

نیست گردل در برم دلدار بودی کاشکی
شاهد اقبال گر باشد هم آغوش رقیب
یا بر افتادی نشان سلطه جوئی از جهان
زانچه اینجا از مسلمان برمسلمان می رسد
نیست ادباری بتراز محنت آواره گی
آبروی ما که مخلوط است با خون جگر
تیره تر شد وضع ما هر روز از روز دگر
یا نه در تالار بودی بزم خیرات ریا
حجت شایسته سالاری که بوند و دالر است
هرکه در این کشور ویران روا دارد جفا
در فروغ اتحاد از دامن مستضعفین
خاک مارا تا نگشتی آزمونگاه جدال
هرکه آمد گو بیا و هر که خواهد گو برو
خواب غفلت کاروان را گر زحرکت باز ماند
راه گر دور است و شب تاریک و منزل ناپدید
کشتی در عمق بحران حوادث غرقه را
سرزمین ما که معروض هزاران ابتلاست
گر شغالان باغ را کردند جولانگاه خویش
دامن کابینه همچون دامن آینه پاک
پاسداران عدالت صاحب رای وثیق
پارت باز و مفسد و اغواگر و مردم فریب
منعمان را گر مروت نیست گو هرگز مباش
آنکه خود را می شمارد حامی حق ملل

گرفکند از پا غم غمخوار بودی کاشکی
بخت با ما هم زمانی یار بودی کاشکی
یا جهان فارغ زاستثماربودی کاشکی
بی خیر جمعیت کفار بودی کاشکی
از سرما رفع این ادبار بودی کاشکی
قابل ارجی درین بازار بودی کاشکی
حالت امسال ما چون پار بودی کاشکی
یا نه اندر شهر ما تالار بودی کاشکی
لا اقل افغانی و کلدار بودی کاشکی
بر گلویش ریسمان دار بودی کاشکی
قطع دست شوم استکیار بودی کاشکی
مرزبانان ، یا در و دیوار بودی کاشکی
این تردد تابع معیار بودی کاشکی
کاروان سالارما بیدار بودی کاشکی
معبر ما اندکی هموار بودی کاشکی
رهبری چون خضر سکاندار بودی کاشکی
زره از امن برخوردار بودی کاشکی
جنگل ما فاقد گفتار بودی کاشکی
از وجود لمتر¹ و اضرار بودی کاشکی
مجری قانون ما هوشیار بودی کاشکی
مطلقا محروم از دربار بودی کاشکی
بهر ناداران مهیا کار بودی کاشکی
خود رها از قید استعمار بودی کاشکی

آه ! (پیمان) شکوه بسیار است اما بیش ازین
خامه ات را قدرت اظهار بودی کاشکی